

همزیستی اخلاقی همسایگان؛ یک راهکار اسلامی برای کاهش بی تفاوتی اجتماعی

علی ملکوتی*

محمدتقی سبحانی نیا**

چکیده

بی تفاوتی اجتماعی، یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ جامعه مدرن است که از منظر جامعه‌شناختی، یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌ها و از جمله موانع بزرگ در برابر توسعه ارتباطات انسانی قلمداد شده است و امروزه دامنه آن به تعاملات همسایگان در محله‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی نیز رسیده است.

کاهش بی تفاوتی و یا دست‌کم، پیشگیری از گسترش دامنه آن، افزون بر وضع قوانین حقوقی کارآمد، نیازمند به راهبردها و راهکارهای اخلاقی است. از این‌رو هدف نوشته پیش رو، ارائه پیشنهادی کاربردی براساس رهیافت اسلامی جهت کاهش بی تفاوتی اجتماعی در جامعه است. پژوهش حاضر، با روش اسنادی و رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن بیان دیدگاه آموزه‌های اسلامی درباره بی تفاوتی، به تبیین ضرورت همزیستی اخلاقی همسایگان در روابط روزمره و بررسی ظرفیت‌های آن در پیشگیری و رفع عارضه بی تفاوتی اجتماعی می‌پردازد و بر این نتیجه تأکید دارد که؛ حضور اخلاق اسلامی در روابط همسایگان با یکدیگر می‌تواند متغیرهای مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی از قبیل: گسترش کُنش‌های مبتنی بر فردگرایی افراطی و خودخواهانه، محاسبه افراطی هزینه-پاداش، فقدان درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری را کاهش داده و به تدریج آنها را از میان بردارد.

واژگان کلیدی: همزیستی اخلاقی، اخلاق همسایگی، اخلاق اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی، جامعه‌شناسی شهری.

* دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث و دانش‌آموخته سطح عالی حوزه علمیه قم، (نویسنده مسئول)
alim2200@gmail.com

mt.sobhani@gmail.com

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۳/۸

مقدمه و طرح مسئله

از منظر جامعه‌شناسان، روابط اجتماعی گرم از پایه‌های اساسی نظم اجتماعی به شمار می‌آید و در صورتی که این روابط به هر دلیل به سردی گراید به همان نسبت، اعتماد اجتماعی، نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. بنابراین اگر قرار باشد مردم نسبت به هم بی‌تفاوت باشند و به یکدیگر کمک نرسانند، جوامع انسانی نمی‌توانند وجود داشته باشند (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۷-۱۵۸).

برخی از اندیشمندان کهن نیز بر این عقیده بوده‌اند که؛ هیچ فردی برای [زندگی اجتماعی] خود، کافی نیست، بلکه به بسیاری از چیزها نیازمند است. از این رو فلسفه شکل‌گیری اجتماع و پایه و اساس شهر، معاشرت افراد و کمک‌رسانی به یکدیگر است (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۱۱۴-۱۱۵). در نتیجه؛ انسان هم در رفع نیازهای ضروری و هم در نیل به زندگی بهتر، محتاج به زندگی اجتماعی است (فارابی، ۱۳۶۶، ص ۳۸-۳۹).

با این توضیح، بی‌تفاوتی به مشکلات اطرافیان و هم‌نوعان، و بی‌توجهی نسبت به مسائل جامعه می‌تواند از جمله آسیب‌های مهم در ارتباطات اجتماعی افراد یک جامعه محسوب شود.

مطالعات مربوط به بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه معاصر ایران، گرچه انگشت‌شمار است؛ ولی به همان اندازه یافته‌های پژوهشی، سطح متوسطی از بی‌تفاوتی اجتماعی را در میان مردم ایران نشان می‌دهد (ر.ک: کلاتری و همکاران، ۱۳۸۶؛ یزدان پناه، ۱۳۸۶؛ حمدالله نادری و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسنی و صدقاتی‌فرد، ۱۳۹۰؛ مجیدی، ۱۳۹۰؛ بریزی، ۱۳۹۳؛ نوابخشی و رفیعی‌پور، ۱۳۹۴؛ قاضی‌زاده و کیان‌پور، ۱۳۹۴).

بدیهی است که رشد و توسعه «بی‌تفاوتی» در میان کنشگران، ضمن برهم‌زدن تعادل و هماهنگی نظام اجتماعی، موجب شیوع انواع مشکلات در جامعه خواهد بود و در نتیجه هیچ فردی توانایی و اراده برخورد با نابسامانی‌ها وجود نخواهد داشت و همین روحیه بی‌دردی در دامن خود انواع ناهنجاری‌های اخلاقی-اجتماعی را پرورش خواهد داد.

بی‌توجهی نسبت به خانواده و آشنایان، بی‌اعتنایی به مسائل و مشکلات جامعه و هم‌نوعان، بی‌اعتنایی به تصمیمات مسئولان حکومتی، بی‌علاقگی و خونسردی نسبت به اخبار و وقایع روزمره (داخلی و خارجی) و بی‌میلی نسبت به سرنوشت اجتماعی-سیاسی (انتخابات، عضویت در احزاب، گروه‌ها و...)، زیر پا گذاشتن تعهدهای اجتماعی و قانون‌های همسایگی به‌ویژه در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، از جمله پیامدهای این اخلاق نکوهیده است.

گسترش بی‌نظمی، شیوع ناهنجاری و کجروی‌ها، ایجاد ناامیدی نسبت به سرنوشت افراد و

جامعه، بدبینی به فرایندهای اجتماعی، انزوای اجتماعی، شکستن ساختارهای اجتماعی، ایجاد مانع در مسیر پیشرفت جامعه، گسترش ناامنی و ده‌ها مورد دیگر از پیامدهای بی‌تفاوتی اجتماعی است که به تدریج عامل نابسامانی‌ها و معضلات بزرگ‌تری خواهد شد.

در ناروایی «بی‌تفاوتی» همین بس که عملی غیراجتماعی و ضدّ اخلاق است؛ زیرا با محتوا و روح آموزه‌های اسلامی، ناسازگار است و نیز اصول اخلاقی و اجتماعی مانند: اصل مسئولیت، همبستگی اجتماعی، نظارت اجتماعی، سودمندی و خیرخواهی، «بی‌تفاوتی» را برنمی‌تابند. همچنین خصلت «بی‌تفاوتی» در تعارض جدی با قواعد اخلاقی از جمله: قانون تعمیم‌پذیری و قاعده زرّین می‌باشد (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۳ ب).

در نگاه جامعه‌شناختی، «بی‌تفاوتی اجتماعی» که نوعی معضل اجتماعی به شمار می‌آید، محصول تأثیرپذیری از شرایط گوناگون تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و فضای روان‌شناختی جامعه است (محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰). و بدیهی است که درمان آن نیازمند ریشه‌یابی عمیق و فراگیر از سوی پژوهشگران و متخصصان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی می‌باشد.

نوشتار پیش رو با مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی، به دنبال آن است که ظرفیت‌هایی را برای کاهش یا پیشگیری از توسعه دامنه بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی پیشنهاد کند. به نظر می‌آید از میان گزاره‌های گوناگون اسلامی، موضوع «همسایه‌داری»، به خصوص «همزیستی اخلاقی همسایگان» در زندگی اجتماعی، از جمله نظریات کاربردی اسلامی است که از ظرفیت‌هایی برای مقابله با بی‌تفاوتی اجتماعی برخوردار است.

با این توضیح، ویژگی نوشتار حاضر، تلاش بین‌رشته‌ای برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اخلاق همسایگی در حل مسائل و معضلات اجتماعی است.

مبانی و چارچوب مفهومی

الف) مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

پیش از آغاز بحث، مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته در این پژوهش را به اجمال تعریف می‌کنیم؛

۱. بی‌تفاوتی

«بی‌تفاوتی» در زبان فارسی به معنای؛ بی‌دردی (فاطمی، ۱۳۶۴) و دلمردگی (بريجانيان، ۱۳۷۱) است. افزودن پسوند «اجتماعی» به واژه «بی‌تفاوتی»، اصطلاحی مهم در ادبیات علوم اجتماعی را با عنوان «بی‌تفاوتی اجتماعی» مطرح ساخته است (روشبلایو و بورونیون، ۱۳۷۱). ساروخانی

(۱۳۷۶) نیز آن را «بی‌حالی» یا «بی‌عاطفگی اجتماعی» ترجمه و به‌عنوان یکی از مظاهر و مسائل خاص جامعه جدید شهری تعریف نموده است. در مجموع، بی‌تفاوتی؛ مفهومی است که حکایت‌کننده نوعی بی‌توجهی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و غیره در جامعه است.

بی‌تفاوتی اجتماعی به‌عنوان یک متغیر سنجش‌پذیر، نخستین بار مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی قرار گرفت (ارونسون، ۱۳۸۶)، سپس از سوی اندیشمندان حوزه‌های مختلف مطالعاتی از جمله؛ جامعه‌شناسی، اخلاق اجتماعی، ارتباطات و مردم‌شناسی اجتماعی و... مورد بحث قرار گرفت.

۲. همسایگی

منظور ما از همسایگی، فراتر از معنای لغوی^۱ و عرفی است. «همسایه» در عرف، شامل خانه‌های دیوار به دیوار و متصل به یکدیگر می‌گردد، حال آنکه در آموزه‌های اسلامی این محدوده، بسیار وسیع‌تر تعریف می‌شود. در حدیثی، حدّ همسایگی، به میزان چهل خانه از پیش رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ، اعلام شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۷۶۳، باب حدالجوار، ح ۳۷۷۳).^۲ امام علی (علیه السلام) نیز درباره مرز همسایگی فرموده‌اند: «الجوارُ أربعون داراً من أربعة جوارِها»؛ تا چهل خانه از چهار طرف منزل، همسایه به شمار می‌آیند (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۵۴۴، ح ۲۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۵۱، ح ۶).

با این بیان؛ همسایگی از منظر آموزه‌های اسلامی به خانه‌های کنار هم و متصل به همدیگر محدود نمی‌شود، بلکه همسایگی طیف گسترده‌ای از هم‌نوعان را شامل می‌شود که در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند و در امور اجتماعی مشترک‌اند و آنان در برابر هم مسئولیت اخلاقی و حقوقی دارند.

افزون بر آن همسایگی در چهار جهت راست، چپ، جلو و پشت خلاصه نمی‌شود، بلکه فضا (بالا و پایین) را هم شامل می‌شود. یعنی کسی که در واحدهای آپارتمانی زندگی می‌کند، اگر چهل طبقه باشد، طبقه اول با آخر و بالعکس همسایه هستند. پذیرش عنوان مجاورت در بُرج‌ها آسان‌تر از پذیرش عنوان همسایه با فاصله چهل خانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۶۳۶). البته

۱. از نظر لغت به دو یا چند نفر که زیر یک سقف باشند، یا اتاق و یا خانه آنها متصل یا نزدیک به هم باشد همسایه می‌گویند (معین، ۱۳۸۵، واژه همسایه). در قرآن کریم نیز کلمه «جار» به معنای همسایه آمده که مصدر آن «جوار» و جمع آن «جیران» و به معنای همسایگی است (نساء، ۳۶). راغب اصفهانی نیز در کتاب مفردات در ذیل «ج و ر»، «جار» را این‌گونه معنا کرده است: «الجوارُ مَنْ يَقْرَبُ مَسْكَنَةَ مَنْكَ»؛ همسایه کسی است که مسکنش نزدیک توست (راغب، ۱۳۷۴، واژه جار).

۲. امام کاظم (علیه السلام): «حَدُّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ».

به نظر می‌رسد میان مفهوم همسایه و همسایگی، تفاوت وجود دارد. چون اکثر تعاریفی که در علوم اجتماعی از همسایگی به میان آمده است از دو جزء مهم کالبدی (فیزیکی) و اجتماعی برخوردار بوده و آن را عمدتاً شامل عناصری چون: انسان، مکان، نظام‌کنش متقابل، هویت مشترک و نمادهای عمومی دانسته است. به این لحاظ، همسایگی را گاهی تنها به معنای «یک منطقه جغرافیایی با ویژگی‌های کالبدی خاص که گروهی از مردم در آن زندگی می‌کنند» دانسته‌اند و زمانی دیگر آن را به معنای «نوعی روابط متقابل اجتماعی و یا فعالیت‌های انسانی» تعریف کرده‌اند (نوابخش و رفیعی‌پور، ۱۳۸۷).

بنابراین همسایگی پیش از آنکه، کنار هم قرارگرفتن مجموعه‌ای از خانه‌ها و بناها باشد در یک منطقه جغرافیایی باشد، قرارگرفتن مجموعه‌ای از واحدهای معنایی است که در گُل، شبکه‌ای از معانی را می‌سازد. این معانی گاه ممکن است با هم سازگار یا ناسازگار باشند. یا گاه غنی و گاه ضعیف باشند. غنا و ضعف معنای همسایگی به چگونگی و کیفیت تعاملات همسایگان و همچنین به کیفیت خانه، محیط و محله بستگی دارد. با این توضیح، منظور ما از همسایگی؛ روابط متقابل اجتماعی نسبتاً مستمر افراد در محدوده مجاورت با دیگران است.

ب) اهمیت «همسایگی» در جامعه‌شناسی شهری

همسایگی از موضوعات مهم و مورد توجه در مطالعات جامعه‌شناسی شهری^۱ در دوره اخیر به شمار می‌آید (شارع‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴)؛ در این نوع از مطالعات، همسایگی، بخش مهمی از «عرضه عمومی شهر»^۲ محسوب می‌شود که فرصت ارتباط اجتماعی و انسجام گروهی را برای ساکنین، فراهم می‌آورد و از این جهت در تقویت انسجام شهر سهم مهمی دارد. به این جهت از نگاه جامعه‌شناسی شهر، همسایگی، قلب اجتماع محلی و از جمله مهم‌ترین واحدهای اجتماعی است که سازنده و قوام‌بخش عرضه عمومی در شهرها می‌باشد. عرضه عمومی محلی است که مجال رو در رو شدن و مواجهه را فراهم می‌کند و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌نماید (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

به این دلیل یکی از نگرانی‌های جامعه‌شناسان شهری و دست‌اندرکاران مدیریت شهری، حفظ و استمرار حضور همسایگی در عرضه عمومی شهرها می‌باشد. در اهمیت آن همین بس که همسایگی و آثار اجتماعی ناشی از آن در محیط‌های شهری مُدرن، یکی از پُرنفوذترین و

۱. جامعه‌شناسی شهری، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که توجه خاصی به تأثیر مکان بر تعاملات اجتماعی دارد. و در این راستا ساختار، موقعیت و خصوصیات نقاط شهری را در سطح خُرد و کلان مطالعه و بررسی می‌کند.

2. Publis sphere

پُراقبال‌ترین موضوعات پژوهشی در جامعه‌شناسی شهری و حوزه‌های مرتبط می‌باشد. مفاهیمی همچون؛ عرق همسایگی، احساس همسایگی، تعلق همسایگی و انسجام همسایگی از جمله مفاهیمی است که محققان در پژوهش‌ها و نگاشته‌های خود به‌طور وفور به کار گرفته‌اند (همان). رابرت پارک از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو است که به نقش روابط همسایگی در نظم شهری پافشاری نموده است، وی در پژوهش خود، ارتباط همسایگان را ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل پیوند اجتماعی برای نظام‌دادن زندگی شهری دانسته است (به نقل از: سرعلی، ۱۳۹۵).

به این دلیل، همسایگی در شهر از موضوعات مهمی است که عموماً محققان جامعه‌شناسی شهر در پی شناخت عوامل قوام‌بخش یا زوال‌بخش آن بوده‌اند. چون با رشد روزافزون شهرنشینی و تشکیل کلانشهرها، جامعه شهری بیش از هر زمانی با کاهش مناسبات همسایگی و تضعیف و اضمحلال محله مواجه گردیده است. به این جهت، تقویت مناسبات همسایگی و احیای محله، ضرورت بیشتری یافته است.

ج) ناروایی «بی تفاوتی»

۱. «بی تفاوتی»؛ عملی ضد اجتماعی

بی تفاوتی، عملی ضد اجتماعی است که می‌تواند زندگی اجتماعی را سخت و غیرقابل تحمل سازد؛ زیرا هیچ کار ناهنجاری در اجتماع انسانی در نقطه خاصی محدود نمی‌شود، بلکه هرچه باشد همانند آتشی ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند. چه اینکه در اجتماع، چیزی به‌عنوان «ضرر فردی» وجود ندارد و هر زیان فردی امکان این را دارد که به صورت یک «زیان اجتماعی» درآید، به این لحاظ هنجارشکنی آشکارا و بی توجهی به آن از سوی ناظران هنجارمند، در نگاه آموزه‌های اسلامی ممنوع شمرده شده است، زیرا پیامد آن دامن عموم جامعه را می‌گیرد و بدین وسیله، دین خداوند کوچک شمرده می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۱).^۱

توضیح اینکه؛ بی توجهی به نظارت اجتماعی و ترک کنترل بر افراد هنجارشکن، به کجروان جامعه (دشمنان خدا) فرصتی می‌دهد تا به صورت علنی و آشکار، دین خدا و عقاید و باورهای عمومی مسلمانان را به تدریج تضعیف نمایند و هنجارشکنان احساس پیروزی کنند و فرهنگ دینی به حاشیه رفته و خرده فرهنگ کجرو غالب گردد. بر این مبنا قرآن کریم، نظارت و کنترل اجتماعی را لازم شمرده است (آل عمران، ۱۰۴). از این نظر نظارت عمومی و دیدبانی جمعی توسط

۱. پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تُصِرَّ إِلَّا عَامِلَهَا وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغْتَبَرْ عَلَيْهِ أَصْرَتِ الْعَامَّةِ»؛ علت این ممنوعیت آن چیزی است که: امام صادق (علیه السلام) در ادامه تذکر می‌دهند: «وَذَلِكَ أَنَّهُ يُذَلُّ بِعَمَلِهِ دِينَ اللَّهِ وَ يُغْتَبَى بِهِ أَهْلُ عِدَاوَةِ اللَّهِ».

همسایگان، باعث می‌شود عواملی که سبب ضعف و نابودی اخلاق و فرهنگ محله می‌شود ریشه‌کن شده و نوعی «مصونیت‌سازی» تحقق یابد.

با آنچه آمد، تردیدی باقی نمی‌ماند که «بی‌تفاوتی» نسبت به مسائل و مشکلات موجود در جامعه، عملی ضد اجتماعی است و این کار با اصل نظارت اجتماعی؛ که اصلی دینی و عقل‌پسند است، قابل توجیه نیست؛ زیرا ظهور و بروز بی‌تفاوتی در این عرصه، به انحرافات اجتماعی، دامن زده و علاج آن را دشوارتر و در برخی موارد ناممکن می‌سازد. از این جهت قرآن کریم در گزارش سرگذشت بنی‌اسرائیل به بی‌تفاوتی برخی از آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: کافران بنی‌اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این به خاطر آن بود که گناه کردند و تجاوز می‌نمودند آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند (مانده، ۷۸-۷۹) و در عبارتی دیگر مسامحه‌گران در مقابل انجام گناه را مذمت و توبیخ می‌نماید (مانده، ۶۳).

۲. بی‌تفاوتی؛ زینبارترین رذیله اخلاقی

بی‌توجهی نسبت به آنچه در جامعه و در همسایگی ما می‌گذرد از بدترین خصلت‌ها و از زینبارترین رذایل اخلاقی و رفتاری است. از این رو مرحوم نراقی در میان عالمان اخلاق اسلامی، بی‌تفاوتی، ترک اعانت مسلمانان و اهتمام نداشتن در امور ایشان را از رذایل صفات اخلاقی و از جمله مُهلکات و علامت ضعف ایمان به شمار آورده است (نراقی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۷۰)، زیرا نتیجه بی‌تفاوتی، شیوع انواع ناهنجاری‌ها در جامعه خواهد بود؛ زیرا در این حال هیچ فردی از افراد جامعه عزم برخورد با نابسامانی‌ها را نخواهد داشت و هرکسی به خود و به منفعت و لذت فردی می‌اندیشند این همان خودمحوری و خودپرستی است که زیر پا گذاشتن تعهدها و قانون‌های اجتماعی از جمله مصداق‌های این اخلاق نکوهیده است.

افراد خودخواه کسانی هستند که از انجام هرگونه اقدام نیکی در خود احساس سنگینی و فشار می‌کنند و دیگران را با دیده دشمنی می‌نگرند. داشتن چنین روحیه‌ای با اصول انسانی و اسلامی سازگاری ندارد. چراکه رشته و هسته مرکزی تمام تکالیف علمی و عملی (فردی و اجتماعی) در ادیان الهی و بشری بر پایه توجه به سرنوشت خود و دیگران در یک جمله؛ «بی‌تفاوت نبودن» است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۳ ب).

اسلام و نظریه همسایگی

موضوع همسایگی و آیین همسایه‌داری با اهمیتی که در حیات انسانی دارد، مورد توجه ویژه دین اسلام بوده است؛ به گونه‌ای که در ابتدا با ظرافت و لطافت خاصی مفهوم همسایه را بازتعریف نموده و

معنای منحصر به فردی از آن که فراتر از تعریف عرفی است، ارائه می‌دهد (همان‌گونه که در بخش مبانی و چارچوب مفهومی گذشت). سپس برای همسایگان در قبال یکدیگر، حقوق و مسئولیت‌هایی را بر می‌شمارد که بسیاری از موارد آن در نوع خود، بی‌سابقه است. به‌عنوان نمونه؛ در قرآن کریم، احسان به همسایگان در کنار عبادت خداوند و نفی شرک قرار گرفته است (نساء، ۳۶) و پیامبر اسلام در ضمن بخشنامه‌ای به مهاجرین، انصار و تمامی اهل یثرب، حقوق همسایگی را هم‌رتبه حقوق مادر، قلمداد نموده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۷۵۶، ح ۳۷۵۷)^۱ و ده‌ها رهنمود دیگر در آموزه‌های اسلامی در قبال همسایگان وجود دارد که روح و محتوای آنها بر پایه ارتباط دوسویه، صمیمیت، تعاون، همدردی و عواطف انسانی استوار است (ر.ک: ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۲).

به‌طور حتم، توسعه و ترویج این نوع نگاه به همسایه و همسایه‌داری، نقطه آغاز تشکیل یک محله و سپس شهر و جامعه‌ای متحد و همسو با آرمان‌های متعالی است که در صورت تحقق این مهم، دیگر مجالی برای ظهور آفت‌ها و آسیب‌های زندگی مدرن، به خصوص بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه نخواهد بود.

سبک همزیستی همسایگان در اسلام

مطالعه تفصیلی متن قرآن و حدیث نشان می‌دهد که؛ اسلام، برای ساماندهی زندگی اجتماعی همسایگان، «همزیستی اخلاقی» را پیشنهاد می‌نماید زیرا معتقد است؛ نظام همسایگی در متن زندگی توحیدی به مثابه یک خرده نظام یا یک سازمان نظام‌مند اخلاق است. از این جهت وضع قوانین اخلاقی و الزام به رعایت آنها واحد همسایگی را - که از آن به محله و یا در برخی مناطق شهرنشینی امروز به مجتمع مسکونی یاد می‌کنیم - سالم و با نشاط می‌گرداند. زیرا سلامتی محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان عضوی از جامعه کلان، سلامتی کل جامعه را تأمین خواهد کرد.

توضیح مطلب آنکه انسان، متمدن بالفطره است یعنی فطرتاً موجودی اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳) و قابلیت‌های او در ظرف جامعه به فعلیت می‌رسد؛ لذا می‌بایست برای دستیابی به خواسته‌ها و شکوفایی استعدادهای خویش به صحنه اجتماع وارد شود و در سایه تعامل با دیگران به مناسباتی تعریف شده تن دهد، «همسایگی»، یکی از این مناسبات فراگیر اجتماعی است.

گاهی به دلیل تفاوت‌ها و تعارض‌های میان افراد، مشکلاتی در روند تعاملات همسایگان به وجود می‌آید که ادامه همزیستی همسایگان را به امری دشوار تبدیل می‌سازد از این‌رو ممکن است اندیشمندان و کارشناسان علوم اجتماعی، روش همزیستی مسالمت‌آمیز را پیشنهاد دهند. این نوع از همزیستی بر اصولی از جمله؛ برابری در حقوق، صلح و حل مسالمت‌آمیز مشکلات براساس

۱. «... حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَةِ أُمَّه».

اشتراکات انسانی و اعتقادی، بنا شده است. اصطلاح «همزیستی مسالمت‌آمیز»، اصطلاحی است که در حقوق بین‌الملل، کاملاً جدید و به خصوص پس از شکل‌گیری نهادی به نام دولت به وجود آمده و در نتیجه عمر چندانی ندارد.

با این حال، به نظر می‌آید کلیات همزیستی مسالمت‌آمیز در زندگی اجتماعی، فی‌الجمله مورد تأیید اسلام است، ولی بدون شک این نوع همزیستی بسیار فروتر از اهداف متعالی اسلامی است. زیرا از منظر اسلام، تشکیل جامعه و وضع قوانین اجتماعی برای این است که زمینه رشد اخلاقی و معنوی برای هر فرد، بیشتر و بهتر فراهم گردد. این معنا از آیات قرآن کریم (توبه، ۷۱؛ انعام، ۱۰۸؛ فصلت، ۳۴؛ طه، ۴۴ و...) به دست می‌آید.

آنچه در نگاه کلان از بررسی آیات قرآن و احادیث اسلامی فهمیده می‌شود، این است که نوع همزیستی مورد نظر اسلام در روابط اجتماعی همسایگان، «همزیستی اخلاقی» بر مدار «إحسان» است (نساء، ۳۶). در این سبک از همزیستی، مسالمت‌آمیز بودن تعاملات اجتماعی، اصالت ندارد؛ بلکه اصل و هدف بنیادین، رشد و تعالی اخلاقی و سعادت اخروی است و رعایت قوانین و حقوق افراد وسیله‌ای برای تأمین این هدف برتر خواهد بود. زیرا جامعه اسلامی بر پایه اعتقادی شکل گرفته است که اصالت را به سعادت اخروی بخشیده و راه تأمین آن را همدلی و احسان می‌داند اینجاست که کسانی که در کنار هم گرد آمده‌اند تلاش می‌کنند تا اصول و قواعدی را مراعات کنند که افزون بر ساماندهی دنیای مادی، سعادت اخروی آنان را نیز تأمین کند پس مبنای روابط و چارچوب آن را «احسان به هم‌نوعان» شکل خواهد داد و قوانین حقوقی زمانی حضور می‌یابند که چاره‌ای جز ورود آن برای مدیریت بحران نباشد. این در حالی است که همزیستی مسالمت‌آمیز، بر مبنای قوانین حقوقی به دنبال برقراری نظم، عدالت و حفظ حقوق فردی و اجتماعی در زندگی دنیوی است و بیش از این کارایی ندارد.

افزون بر آن، عالمان اسلامی نیز معتقدند که؛ «قوانین و سنن اجتماعی هر قدر هم عادلانه و سخت‌تر تنظیم شده باشد، آن‌طور که باید در جامعه اجرا نمی‌شود و راه خلاف و تخلف را نمی‌بندد، مگر آنکه در افراد آن جامعه، فضایل اخلاقی، حکومت کند و مردم به ملکات فاضله انسانی از قبیل ملکه پیروی از حق و احترام انسانیت و عدالت و کرامت و حیاء و اشاعة رحمت و امثال آن پایبند باشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۲). بنابراین «هیچ قانونی به ثمر نمی‌رسد مگر به وسیله ایمانی که آن ایمان به وسیله اخلاق کریمه، حفظ و آن اخلاق هم به وسیله توحید، ضمانت شود» (همان، ص ۲۱۰).

برخی از جامعه‌شناسان شهری از جمله؛ دورکیم نیز همین اعتقاد را دارند، آنها می‌گویند: جامعه نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر قرارداد باشد؛ هر جامعه‌ای نیاز به یک پایه و بنیان اخلاقی هم دارد

تا این قراردادها موفق باشند (به نقل از: کوزر، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷-۲۰۴؛ شارع‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷).

با این توضیح، گزاره‌های اخلاقی اسلامی روابط انسانی را فراتر از حقوق و عدالت تعریف می‌کند و بر آن است تا انسان‌ها در روابط اجتماعی خود، از عقلانیت و عدالت آغاز کنند و در ادامه به مرتبه احسان به یکدیگر بار یابند؛ زیرا در همزیستی عادلانه، قانون «داده-ستاده»، حکم فرما است و رفتارهای ارادی افراد بر مبنای قرارداد و معامله دوطرفه، بنیان نهاده می‌شود و افراد در خوشبینانه‌ترین حالت، در پی خیررساندن به تلافی خیر دیگری هستند، لیکن همزیستی اخلاقی در پی خیررساندن به منظور خیررساندن است، خواه دیگران خیر برسانند یا نه!

آموزه‌های اسلامی در راستای تشویق به اخلاقی‌زیستن و تقویت زندگی اخلاقی افراد، با عباراتی کلی به؛ احسان و نیکوکاری (نحل، ۹۰)، عفو و گذشت بدون سرزنش (حجر، ۸۵؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۵۰)،^۱ به بخشودن ستمکار، عطا به کسی که انسان را محروم ساخته و پیوند با کسی که از وی بریده است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۳۹، ح ۱۰۴)،^۲ آفر می‌خواند که این مهم، بسیار فراتر از پایبندی به قانون و رعایت عدالت در روابط اجتماعی است.

افزون بر آن در قرآن کریم گزاره‌هایی یافت می‌شود که در تشویق به همزیستی اخلاقی، مسلمانان را به بازگشت آثار کارهای خوب به خود انسان، توجه داده و آنان را از انجام کارهای ناشایست در روابط اجتماعی، پرهیز می‌دهد (اسراء، ۷؛ اعراف، ۱۹۹). و نیز برخی از احادیث^۳ گویای آن است که؛ هرکس آن‌گونه نیکی کند که با او کرده‌اند تنها [نیکی نیکوکار را] جبران نموده است و آن که دو چندان جبران کند سپاس‌گزاری کرده و آن کس که سپاس دارد، بزرگوار است و آن که بداند هرچه کرده بر خودش کرده، انتظار سپاس مردم را نکشد و فزون شدن مهر مردم را نخواهد، پس از دیگری نخواهد که در آنچه برای خود کرده‌ای و آبرویت را بدان حفظ نموده‌ای، تو را سپاس گزارد و آگاه باش که نیازمند با خواهش کردن از تو، آبرویش را نگه نمی‌دارد پس تو آبرویت را با نیکی نمودن به او نگهدار!

همچنین در روایت دیگری آمده است: «کسی که نیکی تو را سپاس نگذارد، باعث نشود که تو در نیکی کردن بی‌رغبت شوی که گاهی کسی که از نیکی تو بهره‌ای نبرده برای کار نیکویی که انجام داده‌ای از تو سپاس‌گزاری می‌کند و گاهی تو سپاس فردی را که سپاس‌گزار توست بیشتر از آنچه فرد

۱. «فَصَفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر، ۸۵)؛ «الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ».

۲. «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ خَيْرِ الْأَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، قَالُوا: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «مَنْ وَصَلَ مِنْ قِطْعَةٍ وَأَعْطَىٰ مِنْ حَرَمَةٍ وَعَفَا عَنْ ظَلَمَةٍ».

۳. «مَنْ صَنَعَ بِمَثَلِ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ، فَإِنَّمَا كَأَفَاءٍ، وَ مَنْ أضعَفَهُ، كَانَ شُكُورًا، وَ مَنْ شَكَرَ، كَانَ كَرِيمًا، وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَىٰ نَفْسِهِ، لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَ لَمْ يَشْتَرِذْهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا آتَيْتَ إِلَىٰ نَفْسِكَ، وَ وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةَ، لَمْ يَكُرْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ، فَأَكْرَمْ وَجْهَكَ عَنْ رَذَاهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۷۳، ح ۶۱۰۷).

ناسپاس، ضایع ساخته، دریافت می‌کنی و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۵).^۱

بر پایه آنچه گفته شد، همزیستی اخلاقی، نوعی برتر از همزیستی و اقدامی در جهت کمال خویشتن است؛ از این‌رو با این نگاه، انتظار سپاس و پاداش از دیگران کاری ناپسند و عملی ضدّ اخلاق تلقی می‌شود. در نتیجه آموزه‌های اسلامی با پیشنهاد همزیستی اخلاقی، در پی آن است که افراد جامعه را به صورت اعضای یک خانواده درآورد که با هم در ارتباط و تعاون‌اند و نیازهای متقابل به یکدیگر دارند. مبنای اصلی این تعامل هم بر مدار «احسان» است تا از این طریق هم به بُعد عاطفی و روانی انسان پاسخ دهد و هم به بُعد مادی و دنیوی او در شکل آسایش و تأمین نیازهای مادی پاسخی مناسب و شایسته فراهم کند. این در حالی است که گروه‌های انسانی در جوامع مادی‌گرا به هدف تأمین نیازهای عادی و مادی خود برای زندگی مسالمت‌آمیز، قوانین نوشته و نانوشته‌ای را میان خود امضا می‌کنند تا کسی به حریم و حقوق آنها تجاوز ننماید. در نتیجه، دلسوزی، همکاری و ایثار در قاموس زندگی آنان، بی‌معنا بوده و جایگاهی نخواهد داشت.

با این توجه به نظر می‌آید راه حفظ و ترویج ارزش‌های همسایگی از جمله؛ علایق ارتباطی (اعتماد، دوستی و تمایل به معاشرت با همسایگان)، علایق محلی (علاقه به مکان و محل زندگی و مناسب دانستن محله برای زندگی) و تعهد همسایگی (تلاش برای رفع مشکلات محله)، و همچنین مراقبت خیرخواهانه از یکدیگر، منحصر در رعایت اخلاقیات در روابط همسایگی است. زیرا اخلاق همسایگی ضمن آنکه امنیت اخلاقی و روانی واحد اجتماعی را که همسایگان در آن زندگی می‌کنند فراهم می‌کند، بستر مناسبی جهت شکوفایی استعدادهای نهفته بشری در مسیر کمال و قرب الهی خواهد بود.

ظرفیت‌های همزیستی اخلاقی همسایگان در کاهش بی‌تفاوتی

جامعه‌شناسان کلاسیک در تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی، مواردی را به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی برشمرده‌اند. این متغیرها عبارتند از: خصلت زندگی شهری، ضعف هنجاری در جامعه مدرن، گسترش کُنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن (فردگرایی افراطی خودخواهانه)، رفاه اقتصادی، سالخوردگی، محاسبه هزینه-پاداش، احساس بی‌قدرتی و عدم اثربخشی (سرخوردگی)، فقدان درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری، نارضایتی اجتماعی و... (به نقل از: محسنی تهریزی و صدیقی فرد، ۱۳۹۰).

متغیرهای بیان شده در باب بی‌تفاوتی اجتماعی، گویای ابعاد متنوع و متکثر پیدایش و افزایش

۱. «لَا يَزِدُّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَ قَدْ تَدْرِكُ مِنْ شُكْرِ السَّائِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

این معضل اجتماعی است. به نظر می‌رسد همزیستی اخلاقی همسایگان، برخی از زمینه‌های پیدایش و گسترش بی‌تفاوتی را از میان برمی‌دارد، بنابراین در میان متغیرهای یادشده، مواردی از جمله: گسترش کُنش‌های مبتنی بر فردگرایی افراطی خودخواهانه، محاسبه هزینه-پاداش، عدم درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری، با راهبردها و راهکارهای اخلاقی در تعاملات همسایگان، کاهش یافته و به تدریج از بین خواهند رفت.

به‌طور حتم برای رفع ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی به خصوص بی‌تفاوتی اجتماعی می‌بایست اخلاق همسایه‌داری به‌ویژه در فضاهای آپارتمانی و پررنگ نمودن فرهنگ همسایگی را توصیه و ترویج کرد. به این منظور لازم است در یک نگاه کلان، روحیه جمع‌گرایی و جلب منفعت عمومی، مسئولیت‌پذیری همدلانه، فضیلت خیرخواهی و خیررسانی، و سایر فضایل اخلاقی را در میان همسایه‌ها تقویت کنیم. روشن است که این موارد در متن اخلاق همسایگی، قابل دسترسی است. در ادامه به معرفی اجمالی این راهبردهای اخلاقی می‌پردازیم.

۱. تبدیل منظر از فردگرایی افراطی به جمع‌گرایی

به نظر می‌رسد امروزه با توسعه ارتباطات مجازی و سلطه رسانه‌های جمعی، زندگی بشر تا حدودی به سمت فردگرایی افراطی، سوق یافته و بخشی از افراد جامعه را از تعامل سازنده با دیگران بازداشته است. فردگرایی افراطی و خودخواهانه بر لذت فردی و خواسته‌های شخصی فرد، استوار است یعنی حالتی که در آن فرد جز خواسته‌های خود به چیز دیگری نمی‌اندیشد و در این میان تلاش می‌کند خود را از سنت‌ها و الزامات زندگی اجتماعی رها سازند. معیار تعیین‌کننده در رفتارهای این‌گونه از افراد، محاسبه‌گری افراطی و تحلیل داده-ستاده اقتصادی است.

این همان هویت «فردگرایی افراطی» است. «فردگرایی افراطی» را می‌توان نوعی از جهان‌بینی تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد و اهداف فردی، لذت و منافع شخصی و بی‌تفاوتی به مسائل پیرامون از خصوصیات این نوع جهان‌بینی است. در نگاه فردگرایانه افراطی، زندگی فرد از آن خود اوست؛ نه برای جامعه و نه برای خشنودی خداوند؛ بنابراین آن‌گونه که می‌خواهد و می‌پسندد، رفتار می‌کند. در این نگاه، عقل، تنها ابزاری برای برآورده شدن خواسته‌های نفسانی است و اخلاق و آرمان‌های اجتماعی باید خود را با خواسته‌های افراد، همراه کند.

در نگرش فردگرا، فرد می‌تواند با زندگی خود هر طور که مایل است رفتار کند و هیچ نهاد و قدرتی غیر از خود فرد، حق قانون‌گذاری و تعیین ارزش اخلاقی برای او ندارد. خدا و باورهای مذهبی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و این انسان است که تصمیم می‌گیرد چه ارزش‌ها و هنجارهایی را به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی خود برگزیده و به آنها پایبند باشد (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص ۳۲-۳۳).

نتیجه این نگرش آن است که لذت و رنج فردی، مبدأ خیر و شرّ اخلاقی شود و امیال شخصی بر ارزیابی اخلاقی سیطره یابد. از این‌رو دیگر افراد ملزم به پیروی از الزامات اخلاقی و دینی نبوده و می‌توانند آنچه را که خود براساس سلیقه شخصی و هواهای نفسانی آن را خوب تلقی می‌کنند، به‌عنوان معیار اخلاقی بپذیرند و از آن پیروی کنند. این‌گونه مواجهه با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، نسبی شدن مطلق اخلاقیات و نفی اخلاق دینی را به دنبال دارد (همان، ص ۳۹-۴۰ و ۴۴-۴۵).

امروزه چیرگی این گفتمان، باعث ظهور افرادی شده که به آسایش و منفعت دیگران، وقعی نمی‌نهند. لذا نمی‌توان از آنان انتظار انفاق، احسان، صبر، ایثار، گذشت و خیرخواهی داشت؛ زیرا سود و منفعت این‌گونه افراد، از همه چیز مهم‌تر بوده و توجهشان به ارزش‌های اجتماعی کم است، در نتیجه بی‌تفاوتی و بی‌قیدی، علامت شاخص آنان می‌باشد.

در جمع‌بندی می‌توان مدعی شد که «فردگرایی افراطی» از منظر اخلاق اسلامی، همان «خودکانونی و خودخواهی» است که نقطه محوری شکل‌گیری رذیلت‌های اخلاقی و پایه تمامی زیاده‌خواهی‌ها و گمراهی‌ها است. و عنصر محوری آن را راحت‌طلبی تشکیل می‌دهد که سرآغاز همه بدی‌ها محسوب می‌شود. قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره جاثیه از «خودخواهی» به «پیروی از هوای نفس» تعبیر نموده و آن را ریشه همه بدی‌ها به شمار آورده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله در شرح این آیه می‌نویسد: «معنای گرفتن اله، پرستیدن آن است و مراد از پرستش هم اطاعت کردن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۶۳) یعنی «هرکس هر چیزی را اطاعت کند در حقیقت او را عبادت کرده و او را معبود خود گرفته است، پس اگر شخصی هوای نفس خود را اطاعت کند، آن را اله خود گرفته و پرستیده، با اینکه غیر خدا و غیر هرکسی که خدا دستور دهد نباید اطاعت شود» (همان).

از این‌رو در حدیث علوی، فرمان‌بری از نفس و پیروی از هوس‌های آن، شالوده هر رنج و سرچشمه هر گمراهی محسوب شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۱۴).^۱

در مقابل فردگرایی، جمع‌گرایی قرار دارد که وجود یک سری تعهدهای گروهی و متقابل میان اعضای جامعه را ایجاب می‌کند که افراد موظف به اجرای آنها هستند و این مهم لازمه زندگی اجتماعی است. یافته‌های روان‌شناختی نیز بر این نکته صحّه می‌گذارند که جمع‌گرایی و توجه به نیازها و خواسته‌های دیگران در نهاد انسان، به ودیعت گذارده شده است. توضیح آنکه؛ انسان به لحاظ روان‌شناختی، توانایی این را دارد که علاوه بر منافع شخصی، به منافع دیگران هم توجه داشته باشد. به همین دلیل، گاهی باید از منافع خود بگذرد و به منافع دیگران بپردازد. این سخن حکایت از آن دارد که؛ گونه‌ای از حُبّ ذات در طبیعت انسانی وجود دارد؛ اما این تمام طبیعت انسان نیست. انسان در یک رشد اخلاقی می‌تواند از حصار خودخواهی و منفعت‌طلبی خارج شده و به

۱. «إِنَّ طَاعَةَ النَّفْسِ وَ مُتَابَعَةَ الْهَوَى أَسُّ كُلِّ مِخْنَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ غَوَايَةٍ».

ایثار و دیگرخواهی برسد. خداوند متعال همراه با حُب ذات، عناصر دیگری مانند: عقل، فطرت، عشق و عاطفه در نهاد انسان گذارده است تا آدمی به وسیله آنها از حصار خودطلبی افراطی، بیرون آید. این همان «دیگرگروی» است که از جمله نظریه‌های نتیجه‌گرا در اخلاق هنجاری به شمار می‌آید که مبنای عمل یا قاعده اخلاقی را بیشترین خیر برای دیگران، فارغ از منافع شخصی می‌داند (صادقی و خوانساری، ۱۳۹۵).

پژوهشگران علوم اجتماعی نیز سخن از «دیگرخواهی»^۱ به میان آورده و معتقدند؛ زمانی که مفهوم «دیگرخواهی» در زبان محاوره به کار گرفته شود، معنای آمادگی به خدمت برای دیگران، بدون توقع پاداش را می‌رساند، آمادگی‌ای که از آن، میل به خوبی کردن، خواست دیگران را در نظر گرفتن، نیازهای آنان را برآوردن و به یاری آنان شتافتن، بر می‌آید. بدین قرار، دیگرخواهی در برابر خودخواهی قرار می‌گیرد و مستلزم نوعی ایثار است (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

براساس آموزه‌های قرآن و حدیث، «احسان» (بقره، ۱۹۵؛ قصص، ۷۷)، «ایثار» (انسان، ۸-۱۰)، «امر به معروف و نهی از منکر» (آل عمران، ۱۰۴)، «خیرخواهی» (اعراف، ۶۲)، «تعلیم» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۳۶، ح ۴۸۲۴).^۲ و «انفاق» (بقره، ۱۹۵) از جمله اصول اساسی در اخلاق اجتماعی است که نشان می‌دهد؛ انسان علاوه بر منافع شخصی می‌تواند منافع دیگران را نیز در نظر بگیرد و برای آن تلاش نماید.

همچنین خداوند متعال بر مبنای آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ...» (مانده، ۲) انتظار دارد در هر جا که نیکی باشد، افرادی انبوه حاضر شوند و با پیوند قلبی و عملی به نیکی و تقوای یکدیگر یاری برسانند. نه اینکه افراد جامعه اسلامی، تنها و جدا و در گوشه‌ای به خود و منافع خود بیندیشند. از این جهت علامه طباطبایی رحمته الله علیه آیه یادشده را پایه و اساس سنت‌های اجتماعی اسلام دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴ق، ج ۵، ص ۱۶۳) چون در همگرایی و مشارکت جمعی، نیروهای پراکنده جامعه دست به دست هم می‌دهند و از طریق هم‌افزایی، قدرت مجموعی را افزایش می‌دهند و با متمرکز شدن آن روی یک نقطه و همسو کردن همه نیروها، توان ایجاد آثار مثبت دلخواه را به‌گونه‌ای چشمگیر بالا می‌برند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این راستا فرمودند: «از حقوق همسایه نسبت به همسایه این است که اگر از شما کمک خواست کمک نمایی و اگر قرض خواست، قرض بدهی و اگر مریض شد، عیادتش کنی و اگر مصیبتی بر او وارد شد، خدمت رسیده و ایشان را تسلی دهی...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۹۳، ح ۴۶).^۳

1. Altruism

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «يَا عَلِيُّ تَعَلَّمْ هَذِهِ الْآيَةَ [آيَةُ الْكُرْسِيِّ] وَ عَلَّمَهَا أَوْلَادَكَ وَ جِيرَانَكَ فَإِنَّهُ لَمْ يَنْزِلْ عَلَى آيَةٍ أَكْبَرُ مِنْ هَذَا».
۳. «أَتَذُرُونَ مَا حَقَّ الْبَارِ قَالُوا لَا قَالَ إِنْ اسْتَعَاذَكَ أَعِيْنُهُ وَ إِنْ اسْتَفْرَضَكَ أَقْرِضْهُ وَ إِنْ افْتَقَرَ عُدْتُ إِلَيْهِ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأْتُهُ وَ إِنْ مَرَضَ عُدْتُهُ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَيْتُهُ...».

با این توضیحات همسایگان می‌توانند براساس اخلاق اسلامی، منافع جمعی را مدّ نظر بگیرند و با به یاد دیگران بودن و گرگشایی از مشکلات دیگران از خودمحوری و خودخواهی افراطی، اجتناب کنند که در این صورت، منافع و خواسته‌های فردی آنها نیز در دامان آن تأمین خواهد شد. دلیل این سخن، آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء، ۷) است که نشان می‌دهد: آثار نیک و بد اعمال به عامل باز می‌گردد.

علاوه بر آن، برکات این جمع‌گرایی به سایر ساکنان محله نیز می‌رسد. بنابراین روابط همسایگی براساس دیگرگرایی و مشارکت جمعی می‌تواند منافع بالقوه و بالفعلی را در سطح محله برای ساکنان آن ایجاد نموده و باعث کارآیی بیشتر اجتماع محله‌ای گردد.

در نتیجه، تبدیل منظر از «منفعت شخصی» به «منفعت جمعی» در سایه همزیستی اخلاقی همسایگان، تقویت روحیه دیگرگروی و مشارکت اجتماعی، قسمت عمده‌ای از زمینه‌های بی‌تفاوتی اجتماعی را که به فردگرایی افراطی رجوع داشت از میان برمی‌دارد.

۲. درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری همدلانه

مسئولیت یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مسائل فلسفی، دینی، اخلاقی و حقوقی است که از دوران یونان باستان تا روزگار حاضر مورد توجه فیلسوفان اخلاق بوده است. واژه مسئولیت در زبان فارسی به معنای «وظایف، اعمال و افعالی که انسان عهده‌دارش باشد» آمده است (عمید، ۱۳۸۹، واژه مسئولیت). وقتی شخصی را مسئول می‌نامیم در واقع او را پاسخگوی نگرش‌ها، واکنش‌ها و اعمالش می‌شماریم پس در اصطلاح؛ مفهوم مسئولیت به معنای مورد سؤال یا بازخواست قرار گرفتن انسان در برابر وظایف و اعمالی است که به عهده دارد.

اصل مسئولیت در نظام اخلاقی اسلام از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد، و این اصل ساحت‌های ارتباط انسان با خداوند متعال، خود و دیگران را در بر می‌گیرد (صافات، ۲۳؛ اسراء، ۳۶؛ تحریم، ۶). افزون بر ارتباطات یادشده، آموزه‌های علوی نشانگر آن است که آدمی در برابر زمین، کوه‌ها، دریاها و حیوانات نیز مسئولیت دارد (شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۶۷).^۱ همچنین دستورات «توصیه یکدیگر به حق و صبر» (عصر، ۳)، «امر به معروف و نهی از منکر» (آل عمران، ۱۰۴؛ توبه، ۷۱) و نظایر آن در آموزه‌های اسلامی، از جمله موارد دیگری است که با بی‌تفاوتی اجتماعی، سازگاری ندارد.

نتیجه آنکه؛ افراد نسبت به هر فعلی که در رشد کمال اختیاری آنها تأثیرگذار است، مسئولیت دارند؛

۱. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ».

ایجاد فساد و تباهی در عالم، مستقیم و یا غیرمستقیم، مسئولیت‌آور است و هدایت و رشد جز از طریق مسئول بودن انسان امکان ندارد؛ از این جهت، فرد باید در برابر تمام کارهایش پاسخگو باشد و مسئولیت تصمیم‌های خود و پیامدهای آن را بپذیرد؛ زیرا اجتماعی بودن انسان در کنار اصالت فرد و رابطه متقابل بین افراد با کل جامعه، موجب می‌شود که جامعه محتاج به قانون باشد و ضرورت وجود قانون موجب می‌شود که همه افراد در برابر حقوق یکدیگر مکلف باشند و تکلیف هم مستلزم مسئولیت است.

افزون بر آن «اصل پیوستگی انسان‌ها در جامعه بشری» (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۱) در روان‌شناسی اجتماعی نیز مبنای مهمی است که براساس آن انسان‌ها حتی برای تأمین مصالح خود نیز نمی‌توانند در برابر گرفتاری‌ها و نیازهای یکدیگر بی‌اعتنا بمانند؛ زیرا افراد جامعه تافته جدابافته از یکدیگر نیستند.

با این مقدمات، از جمله راهبردهای راهگشا در پیشگیری از بی‌تفاوتی اجتماعی؛ مسئولیت‌پذیری و درونی‌سازی آن است. به این دلیل آموزه‌های اسلامی در حوزه همسایگی جهت مزبور را در نظر گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه امام زین‌العابدین (علیه السلام) در یادآوری حقوق همسایه فرمود: «وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ ... نُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا ... وَ لَا تُسْلِمُهُ عِنْدَ شِدِيدَةٍ»؛ و اما حق همسایه‌ات آن است که وی را به هنگامی که مورد ستم قرار می‌گیرد، یاری و پشتیبانی نمایی و او را در سختی‌ها تنها نگذاری! (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۸). آن حضرت در دعای خود درباره همسایگان و دوستانش به درگاه الهی چنین عرضه می‌دارد: «... وَ نُصْرَةَ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنَ مُوَاَسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدَ عَلَيْهِمْ بِالْحِدَّةِ وَ الْإِفْصَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ»؛ بار خدایا! ... همسایگان و دوستانم را در یاری دادن به ستم‌دیدگان و حُسن مواسات در مایحتاج زندگی و دریغ نوزیدن از ماعون (پیشکش) و بخشش فراوان و عطا کردن آنچه برایشان ضروری است، پیش از درخواست، موفق فرما! (امام سجاد (علیه السلام)، ۱۳۸۱، دعای ۲۶).

یکی دیگر از حقوق و مسئولیت‌های همسایگان نسبت به هم؛ «همدردی» و همیاری در ناخوشی‌ها و خوشی‌های زندگی است. البته این وظیفه بیش از هر زمان در موقعیتی معنا می‌یابد که همسایگان در سختی و تنگنا قرار بگیرند و در گرفتاری، فقر و بینوایی به سر برند و یا بدهکار و بی‌سرپرست باشند چون در این مواقع به توجه، دلجویی و همیاری بیش از همیشه نیازمند می‌باشند و همدردی با آنها می‌تواند باعث نجات ایشان و بازگشت وی به زندگی گردد و نیز موجبات الفت و محبت طرفینی را فراهم سازد. جامعه‌ای که از این سرمایه محبت و یکدلی برخوردار باشد افراد آن به یقین بازوی محکمی برای یکدیگر و یاور هم در سختی‌های زندگی خواهند بود.

بدین سبب در روایات اسلامی، مواردی از قبیل: عیادت از همسایه به هنگام بیماری، و تبریک در زمانی که خیری به وی می‌رسد، و تسلیت در موقعی که مصیبتی بر او وارد می‌شود، و شرکت در تشییع جنازه او به هنگامی که وی از دنیا برود، از جمله حقوق همسایه به شمار آمده و مورد سفارش قرار گرفته است (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۹۴).^۱ در روایتی در بیان شیوه تعزیت همسایگان این نکته مورد توجه قرار گرفته است که سزاوار است که همسایگان شخص مصیبت‌زده را تا سه روز اطعام نمایند (حُرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۹۹). چون به این وسیله از شدت مصیبت و اندوه وی کاسته و در نتیجه به زندگی امیدوارتر خواهد شد. توجه به شادی‌ها و غصه‌های همسایگان و رسیدگی به مشکلات آنها و حفظ ارتباط با ایشان در ضرورت‌ها و اضطرارهای زندگی، می‌تواند نقش چشمگیری در پیوند عظیم اجتماعی و درمان دردهای فردی و جمعی داشته باشد. به خصوص در روزگار امروز که با اضمحلال جوامع سنتی و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به آن روبه‌رو هستیم. علاوه بر آن با ظهور محدودیت‌های تمدنی همچون: آپارتمان‌نشینی، مهاجرت، غربت، پیچ و خم‌های زندگی شهری و غیره، ضرورت همدلی و همیاری بیش از پیش احساس می‌شود.

افزون بر همدردی، یکی دیگر از دستورات دین در قبال همسایگان است؛ «رسیدگی» است که این مفهوم با واژه «تَعَاهُد» در متون ادبی و اسلامی انعکاس یافته است (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۱۶).^۲ امام سجاد (علیه السلام) به هنگام ورود به ماه مبارک رمضان در مناجات با خداوند سبحان، توفیق رعایت حال همسایگان و حفظ ارتباط با آنها را درخواست می‌نماید و در ضمن مناجات، اشاره‌ای نیز به مصادیق تعاهد و تعهد به همسایه می‌کند و چنین می‌خواند: «وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ»؛ و توفیقمان ده که در این ماه، با نیکی و احسان، به سوی خویشان خود رویم، و با بخشش و عطایا همسایگان خود را حفظ و رعایت کنیم! (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۶۰۸، ح ۶۹۵). در این فراز از مناجات، افضال (احسان) و عطیه (بخشش) از مصادیق تعاهد به شمار آمده است.

امام باقر (علیه السلام) نیز در خطاب به جابر یکی از نشانه‌های شیعیان خود را همین مسئله دانسته و چنین می‌فرماید: «وَتَعَاهُدِ الْجِيرَانَ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ ذَوِي الْمَسْكِنَةِ وَ الْغَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ...»؛ و از نشانه‌های پیروان ما مراعات و سرکشی به حال همسایگان نیازمند و تهیدست و بدهکار و یتیمان است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۷۴، ح ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۵، باب ۲، ح ۲۸).

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «أَتَذَرُونَ مَا حَقَّ الْجَارِ قَالُوا لَا، قَالَ ... إِنَّ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَتَهُ وَ إِنَّ مَرَضَ غَدَتَهُ وَ إِنَّ أَصَابَهُ مُصِيبَةٌ عَزِيْبَةٌ وَ إِنَّ مَاتَ تَبِعَتْ جَنَازَتَهُ ...».

۲. «تَعَاهُدِ جِيرَانِكَ» ای تقدّم بزرگوار و احفظ بذكر حق الجوار. و «فَلَانِ يَتَعَاهَدُنَا» أي يراعي حالنا. و التَّعَاهُدُ: «بمعنى التَّعَاهُدِ وَ هُوَ التَّحْفُظُ بِالشَّيْءِ وَ تَجَدِيدُ الْعَهْدِ».

۳. پیوند ذهنی و عملی با هم‌نوعان از طریق خیرخواهی

«خیرخواهی» یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های اخلاقی همسایگان در قبال یکدیگر و از جمله راهبردهای شگفت‌انگیز اسلامی در همزیستی اخلاقی است که یادآوری آثار و رهاورد آن، بهترین گواه بر تأثیرگذاری همزیستی اخلاقی در کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی است.

خیرخواهی در لغت و آموزه‌های اسلامی، ترجمه واژه «نُصَح» و «نُصِيحَت» می‌باشد (ابن فارس، بی تا، ج ۵، ص ۴۳۵؛ جوهری، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۱). خیرخواه را از آن جهت، ناصح می‌گویند که با طرف مقابل خود، یکرنگ، خالص و صاف است. و به او خیانت نمی‌ورزد و تزویر نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). یا از این جهت که ناصح، خلل‌ها و نارسایی‌های برادرش را پُر می‌کند، چنان‌که خیاط، شکاف پارچه را می‌بندد. و قسمت‌های فرسوده آن را ترمیم و از پیشرفت آن جلوگیری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۵۷). یعنی شخص خیرخواه، به دور از نیرنگ و فریب و بدون چشمداشت به پاداشی، در راستای صلاح و اصلاح دیگران قدم برمی‌دارد.

فضیلت «خیرخواهی» از منظر آموزه‌های اسلامی یکی از واجبات دینی است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۵۳۰).^۱ از این رو امام زین‌العابدین (علیه السلام) در دعا بر همسایگان و دوستان خود، خیرخواهی نسبت به آنان را مورد توجه قرار می‌دهد (امام سجاده (علیه السلام)، ۱۳۸۱، دعای ۲۶).^۲

براساس روایات اسلامی، یکی از کارکردهای «خیرخواهی»، ایجاد محبت و دوستی میان مردم است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۴، ح ۴۵۴۷).^۳ محبتی که از خیرخواهی، حاصل می‌شود، باعث «همگرایی» و «همنویی» می‌گردد. که این مطلب، در ارتباطات اجتماعی به‌عنوان یک اصل مهم برای رسیدن به زندگی مطلوب به حساب آمده است (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۴). به این معنا که؛ چنانچه همسایگان به صورت مجموعه وحدت‌یافته و منظم در حول منافع مشترک درآیند، تصمیمات و برنامه‌ها به سوی یک هدف، جهت‌گیری می‌شود. در این صورت همسایگان در یک کانون و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. که نتیجه‌اش؛ تشخیص مصلحت زندگی اجتماعی و ترجیح آن بر منافع شخصی خواهد بود. و از آنجا که روح حاکم بر چنین فضایی، صمیمیت، یکدلی و رفاقت است، راه را بر «واگرایی»، بیگانگی و لجاجت می‌بندد.

«خیرخواهی» با آثاری که دارد، زمینه بهبود روابط همسایگی را فراهم می‌سازد. از جمله آثار «خیرخواهی»؛ آگاهی‌بخشی است. شخص خیرخواه با شیوه‌هایی همچون: آموزش، امر به

۱. «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ».

۲. «وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ... وَ هِدَايَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ مَنَاصِحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ... وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نَصْحًا، وَ أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِخَاتَمِي، وَ أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاتَمِي».

۳. امام علی (علیه السلام): «النُّصْحُ يُثْبِتُ الْمَحَبَّةَ».

معروف و نهی از منکر، انتقاد دلسوزانه و... موجب وسعت بخشیدن به دامنه دید و درک همسایگان می‌گردد. و این امر به حل مسائل و رفع مشکلات، کمک شایانی می‌نماید.

اثر دیگری که از خیرخواهی بر جای می‌ماند، تغییر رفتار یا تثبیت آن است. چه اینکه هدف از خیرخواهی هم همین است. که از آن در روان‌شناسی اجتماعی با عنوان «همنوایی هنجاری» (آذربایجانی، پیشین) یاد می‌شود. یعنی افراد برای گریز از پیامدهای منفی رفتارها یا رسیدن به نتایج بهتر به سوی رفتاری مناسب، کشانده می‌شوند. که این مهم با آموزش و آگاهی‌بخشی محقق می‌گردد.

علاوه بر آنچه گفتیم، اثر مهم دیگری نیز بر «خیرخواهی» مترتب می‌شود و آن اینکه؛ «خیرخواهی»، شخص خیرخواه را نیز طهارت می‌بخشد. به این صورت که افراد با خیرخواهی، از دام رذیلت‌های اخلاقی از جمله: خیانت، حسادت، غیبت، آزار و اذیت، بی‌تفاوتی‌ها و... رها می‌شوند و با یاری‌رسانی، آموزش، امر به معروف و نهی از منکر، عیب‌پوشی، دعا، همدردی و سایر مصادیق خیرخواهی، از زشتی‌های اخلاقی، پیراسته می‌گردند. در نتیجه؛ همسایه اخلاقمند با نیت خیرخواهی، طهارت و کمال خود را به دست می‌آورد و با انجام خیرخواهی، تهذیب افراد جامعه را به نظاره می‌نشیند (ر.ک به: ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۳ الف، ص ۴۶۳-۴۹۶).

بنابراین همسایگان می‌توانند با رعایت بایدها و نبایدهای اخلاقی از جمله؛ خیرخواهی، فروتنی، بخشودگی، خوش‌گمانی، خوش‌اخلاقی، یاری‌رسانی و... در روابط همسایگی، ضامن استواری اخلاق در جامعه بوده و در سایه این استواری ارزش‌های اخلاقی، شاهد برکاتی از جمله؛ ارتقای فرهنگ عمومی، کاهش فساد و از بین رفتن نابسامانی‌های اجتماعی باشند. که از جمله این نابسامانی‌ها؛ بی‌تفاوتی‌های موجود در روابط همسایگان به‌ویژه در مجتمع‌های آپارتمانی در شهرهای بزرگ است که هر روز بر دامنه آن افزوده می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بی‌تفاوتی اجتماعی از جمله معضلاتی است که محصول تأثیرپذیری از شرایط گوناگون تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و عواطف حاکم بر جامعه است، و امروزه تمام جوامع انسانی با آن روبه‌رو هستند. پیشگیری و درمان این عارضه بدخیم اجتماعی مورد توجه عالمان دینی، دانشمندان جامعه‌شناسی کلاسیک، جامعه‌شناسان شهری و روان‌شناسان اجتماعی است. به نظر می‌رسد کاهش بی‌تفاوتی و با حداقل پیشگیری از گسترش دامنه آن، در کنار وضع قوانین حقوقی کارآمد، نیازمند به راهبردها و راهکارهای اخلاقی- تربیتی است. از این‌رو بهره‌گیری از ظرفیت‌های اخلاق همسایگی در حل مسائل و معضلات اجتماعی، از جمله تمایزات این نوشتار با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در مواجهه با بی‌تفاوتی اجتماعی است.

نتایج این پژوهش نشان داد: نظام همسایگی اسلامی در متن زندگی اجتماعی به مثابه یک خُرده نظام یا یک سازمان غیررسمی نظام‌مند، عمل می‌کند. به این دلیل که آموزه‌های اخلاقی اسلام در ساحت همسایگی در کنار تبدیل منظر از فردگرایی لجام‌گسیخته به روحیه جمع‌گرایی و کسب منافع عمومی، برای موضوع درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری همدلانه، اهمیت و جایگاه خاصی قائل است و افزون بر آن بر فضیلت خیرخواهی و سایر فضایل اخلاقی در حوزه همسایگی اصرار می‌ورزد و می‌کوشد در سایه دستورات اخلاقی، جامعه انسانی را همدل و همسو با آرمان‌های متعالی و مردمانی نوع‌دوست، بار بیاورد.

فرجام کلام آنکه؛ به نظر می‌رسد «همزیستی اخلاقی همسایگان»، راه همواری است که آموزه‌های اسلامی آن را پیش روی جامعه قرار می‌دهد. و این مهم با رویکرد درمان ریشه‌ای، ظرفیت آن را دارد که برخی از زمینه‌های پیدایش و گسترش بی‌تفاوتی اجتماعی (از قبیل: کُنش‌های مبتنی بر فردگرایی افراطی خودخواهانه، محاسبه افراطی هزینه-پاداش، فقدان درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری) را از میان بردارد.

منابع

- * قرآن کریم.
- * امام سجاد علیه السلام (۱۳۸۱)، صحیفه کامله سجاده، ترجمه محسن غرویان و عبدالجواد ابراهیمی، چاپ دهم، قم: الهادی.
۱. آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷)، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۲. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۳. ابن‌فارس، احمد (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة (۶ جلدی)، محقق/ مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ارونسون، لیوت (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
۵. افلاطون (۱۳۶۰)، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۶. بریجانیان، ماری (۱۳۷۱)، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. بریزی، عقیل (۱۳۹۳)، تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان زرین‌دشت فارس (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تربیت معلم (دانشکده علوم انسانی).
۸. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، شریعت در آینه معرفت، چاپ سوم، قم: اسراء.
۱۱. _____ (۱۳۸۸)، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم: نشر اسراء.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی‌تا)، الصحاح، محقق/ مصحح: احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.

۱۳. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ۳۰ جلدی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ القرآن، ۴ جلدی، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران: نشر مرتضوی.
۱۶. روشبلاو، آن ماری و ادیل بورونیون (۱۳۷۱)، روان‌شناسی اجتماعی (مقدمه‌ای بر نظریه‌ها، آیین‌ها در روان‌شناسی اجتماعی)، سیدمحمد دادگران، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۱۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: کیهان.
۱۸. سرعلی، رضا (۱۳۹۵)، «همسایگی و همسایه بودن»، در: مجله صفّه، دوره ۲۶، شماره ۱، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۹. شارع‌پور، محمود (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ نهم، تهران: انتشارات سازمان سمت.
۲۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بی‌علی (بی‌تا)، مُسکّن الفؤاد عند فقد الأحبّة و الأولاد، چاپ اول، قم: نشر بصیرتی.
۲۲. صادقی، هادی و محمدامین خوانساری (۱۳۹۵)، «دیگرگروی اخلاقی: منظری قرآنی»، در: فصلنامه پژوهشنامه اخلاق، سال نهم، شماره ۳۲.
۲۳. صدوق قمی، محمد بن علی - ابن بابویه - (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دارالشریف‌الرضی للنشر.
۲۴. _____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ق)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۸)، مجمع‌البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، چاپ دوم، (بی‌جا)، مکتبه‌النشر الثقافة الاسلامیة.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، مصباح‌المتهدج، چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: نشر اشجع.

۲۹. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۶۶)، *السیاسة المدنية*، چاپ اول، تهران: انتشارات الزهراء.
۳۰. فاطمی، کریمی (۱۳۶۴)، «لغات و اصطلاحات روان‌شناسی»، نشریه شماره ۲۶، مدرسه عالی دختران.
۳۱. قاضی‌زاده، هورامان و مسعود کیان‌پور (۱۳۹۴)، «بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)»، در *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۹.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، ۱۵ جلد، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۳۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، *الزهد*، ۱ جلد، چاپ دوم، قم: المطبعة العلمية.
۳۴. کلاتری، صمد و همکاران (۱۳۸۶)، «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن»، در: *مجله دانشور رفتار*، دوره چهاردهم، شماره ۲۲.
۳۵. کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۳)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر علمی.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. معیدی، امیر (۱۳۹۰)، *بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه پیام نور (دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی).
۳۸. محسنی تبریزی، علیرضا و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۹۰)، «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، مورد پژوهش: شهروندان تهرانی»، در: *مجله جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، شماره ۳.
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۵)، *فرهنگ فارسی*، مجموعه یک جلدی، چاپ دوم، تهران: راه رشد.
۴۰. ملکوتی‌نیا، علی (۱۳۹۲)، *اخلاق همسایگی در آموزه‌های قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۴۱. _____ (۱۳۹۳ الف)، «نقش خیرخواهی در بهبود روابط همسایگی»، در: *حیات طیبه (مقالات برگزیده همایش ملی راهکارهای تحقق سبک زندگی اسلامی)*، دانشگاه پیام نور واحد خراسان شمالی.
۴۲. _____ (۱۳۹۳ ب)، «رهیافت اخلاقی به بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی همسایگان»، در: *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال دوم، شماره ۷.

۴۳. نادری، حمدالله و همکاران (۱۳۸۸)، «الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی تفاوتی»، در: مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۶.
۴۴. نراقی، محمدمهدی (۱۴۲۷ق)، جامع السعادات، تعلیق سیدمحمد کلانتر، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۴۵. نوابخش، مهرداد و جابر میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴)، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل)»، در: مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۳.
۴۶. نوابخش، مهرداد و مریم رفیعی‌پور (۱۳۸۷)، «بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران» (مطالعه موردی منطقه دو شهرداری)، در: مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
۴۷. نوری، میرزااحسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ۲۸ جلدی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتین علیه السلام.
۴۸. یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، در: فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۴۹. یوسفی، علی و محسن نوغانی و مهلا حجازی (۱۳۸۸)، «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، در: مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱.